

**شتر**

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ • ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ • ۲ آگوست ۲۰۲۱  
سال هجدهم • شماره ۴۰۶۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷  
اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

فardashargh@gmail.com

*روزنامه‌فروا*



## چرا باید به احترام مرد دیپلماسی بایستیم؟

مقام و سمت این زمانه یعنی یک «شهروند عادی ایرانی» بیان می‌شود تا فراموش نشود که گرچه در فضای غبار آلود و ناهمیدانه کنونی چشم‌ها بر همه خوبی‌ها و زحمات واقعی بسته شده و تمامی نگاه‌ها بر به‌سوی قیمت‌ها، نرخ‌ها و اعداد منحرف کرده‌اند اما روزگاری نه‌چندان دور فردی بود که سخن، تفکر و تعقل او امیدبخش و راهنما بود. در دورانی که مصلحت بهانه‌ای برای به‌سالم‌کشیدن امیدها، آرزوها و وعده‌ها بود و چنان شد که حتی به اذعان برخی مدیران عالی‌رتبه از اختیار تعیین یک منشی برای خویش خالی شدند، فردی



بود که به علت رعایت‌نکردن برخی از مناسبات رسمی و اخلاقی که برای حرمت و اقتدار داخلی و خارجی یک مسئول و مدیر عالی‌رتبه لازم و حیاتی است استعفا داد و لسانات و آشکارا تذکر داد که بی‌خبری یک وزیر از حضور رئیس‌جمهور یک کشور دیگر در ایران و غیبت او گفته نشد او یکی از مهم‌ترین اقدامات در عرصه سیاست گرفته شد و به علت قدم‌زدن در محوطه باز با یک مقام آمریکایی موج طعنه و شعار قرار گرفت اما هیچ‌وقت گفته نشد او یکی از مهم‌ترین اقدامات در عرصه سیاست خارجی کشور را با هماهنگی کامل به سرانجام رساند و اگر اتفاقات دیگری در عرصه بین‌المللی رخ نمی‌داد، درحال حاضر عموم جامعه به‌گونه دیگری درباره او و تلاش هایش قضاوت می‌کردند. شاید بسیاری دیگر از مذاکرات پشت پرده‌ای در این سال‌ها رخ داد که به علت



چه شد که دولتی با ۲۰ میلیون رای و محصول یک انتخابات پرشور و امید و آرزو این‌گونه توسط منتقدان و حامیان بدرقه می‌شود، قطعا علت‌های آشکار و پنهان زیادی دارد که تاریخ این‌ بزرگ‌معلم دوران‌ها و بهترین عیان‌کننده همه پنهان‌ها، آنها را برای آیندگان آشکار خواهد کرد و مشخص خواهد شد که چه عوامل داخلی و خارجی و مستقیم و غیرمستقیم در این گذار از امید و شور و آرزو به ناامیدی دخیل بودند. برای رعایت انصاف باید به همه دولت‌مدانی که خود را که نه فقط مقام بلکه مسئول در برابر خدا و مردم می‌دانستند خداقت و خسته نباشید گفت؛ گرچه به قضاوت عرف جامعه در زمان کنونی چنین مسئولانی درحال‌حاضر کم‌شمار و نایاب هستند، اما این امر را نباید اصلی که بر فرخ حکومت می‌کند، دانست. شاید بیان «خداقت و خسته نباشید» در دوران جولان «مدیران

صندلی‌پرست» و «فعالان سیاسی خواهان عضویت در هیئت‌مدیره‌ها» و «کارشناسان و متخصصان مقام‌جو» رسم عبث و بیبوده‌ای جلوه کند، اما حداقل باید به احترام و یاد همه آن وعده‌های نه‌چندان دور و همه آن امیدهای جمعی به «تدبیر و امید» خداقت گفت بلکه امیدترین سیاست‌ها بدرقه کرد، بلکه اخلاق و انصاف و عدالت و عقل حکم می‌کند که به احترام او ایستاد و به همگان یاد‌آور شد که گرچه او محصور در «نفاق و حسد» بود، اما سعی و تلاش او برای شکست این حصر با سلاح «تعهد، تخصص و تعقل» در تاریخ ماندگار خواهد شد. این مرقومه نه از جهت بیان نظر کارشناسی با اظهارات تخصصی نگاشته شده و نه از جهت اظهار لطف به یک دولتمرد، بلکه به حکم فاعده و اصل اخلاقی «من لم یشکر خالق من لم یشکر مخلوق» و از طرف پاک‌ترین

**آکادمی**

**نظام پزشکی، مرداد ۶۵**

**بابک زمانی**  
نورولوژیست

● در تابستان سال ۱۳۶۵ در چنین روزگاهی، دولت وقت لایحه‌ای درباره اهداف و اختیارات سازمان نظام پزشکی به مجلس ارائه کرد که به‌طور تلویحی حقوق صنفی جامعه پزشکی را تحت‌الشعاع مصالح اجتماعی قرار می‌داد. به این لایحه درباره تعرفه‌های پزشکی تنها به سازمان این‌ا اختیار داده شده بود که بر تعرفه‌های وضع‌شده نظارت کند. از سویی نیز موضوع حمایت سازمان از حقوق جامعه پزشکی که چند کلمه در انتهای بندهای متعدد لایحه و مواردی مانند ارتقای شعائر و حقوق بیماران تقلیل داده شده بود. آشکار بود که ارتباط مصالح سلامت کشور با مسائل صنفی پزشکان درک نمی‌شود. به‌وضوح مشخص بود که وظایف سازمان و جامعه پزشکی بر اختیارات آنها پیشی می‌گیرد. سازمان نظام پزشکی که تا آن زمان به‌عنوان سازمان صنفی پزشکان مورد احترام حکومت و جامعه قرار داشت، از این لایحه عدم استقلال جامعه پزشکی را برداشت می‌کرد و به آن معترض بود. در جلسه بررسی لایحه، «رهبری‌الملشی» نماینده رودسر حتی به وجود کلمه استقلال نظام پزشکی معترض بود، اما «موحدی‌ساوچی» نماینده ساوه با او به مخالفت برخاست و صراحتا هشدار داد که اگر می‌خواهید سازمان را به دولت وابسته کنید با حدف این کلمه به مقصود خود نمی‌رسید. جو غالب ظاهرا به ضرر استقلال سازمان بود، اما حذف کلمه استقلال به تصویب نرسید. وزیر بهداشت وقت نیز گفت «ما با استقلال سازمان موافقم ولی با خودمختاری آن مخالفیم». هیچ توضیحی هم درباره تفاوت معنای «استقلال» و «خودمختاری» ارائه نداد. حالا ۳۵ سال است که مشکلات جامعه پزشکی همچنان به تعریف همین تفاوت‌ها وابسته شده است.

باید پذیرفت که نگرانی سازمان نظام پزشکی از دولتی‌شدن این سازمان و تأثیرات منفی آن بر سیستم سلامت کشور برپیره نبوده است. از سویی نیز در بحبوحه جنگ تحمیلی، دولت روش اداره متمرکز و کنترل هر چیز در دست خود را مطمئن‌تر می‌دانست، به‌ویژه در موضوع مهمی مثل سلامت. شاید همان موقع مسئولان دولت و وزارت بهداشت در خواب هم نمی‌دیدند که ۳۰ سال پس از پایان جنگ همچنان همان مقررات جنگی و اردوگاهی در سیستم سلامت کشور ساری و جاری باشد.

سازمان نظام پزشکی در آن زمان در جامعه‌ای با مختصات محدودتر و بدون تغییرات سیاسی و اجتماعی قابل توجه پدید آمده و بالیده بود و مثل دیگر اقشار کشور دچار فقر سیاسی مزمنی بود که تاریخ نشان داد از رویدادها هم درس نمی‌گیرد و هر روز از این حیث فقیرتر می‌شود. سازمان، بدون درنظرگرفتن قوانین بین‌المللی اعتصاب پزشکان اعلام اعتصاب کرد و تبعات این اعتصاب و نحوه برخورد با آن معنی دائمی شد برای پیگیری درخواست «قانون اعتصاب» از جانب پزشکان. بدون توجه به این نکته که بدون قانون اعتصاب و بدون رعایت کدملی که سلامت جامعه را به خطر نمی‌اندازد، اعتصاب پزشکان امکان‌پذیر نیست. دولت که به‌دلیل شرایط جنگ خود را از نظر اخلاقی محق می‌دانست و به‌علاوه این موقعیت را فرصتی مناسب برای پیش‌بردن برنامه‌ریزی متمرکز (که ایده آن زمان مسئولان بود) و گرفتن رستی پوپولیستی در مقابله با «این دکتر‌ها» در انتظار عمومی می‌دید، به شدیدترین وجه ممکن واکنش نشان داد؛ واکنشی که پزشکان هم انتظار آن را نداشتند. دکتر حفیظی و بسیاری دیگر تبعید شدند. کادر وزارت بهداشت هادیان نیز در مقدمه کتاب تاریخ شفاهی در باب ضرورت تدوین این پروژه نوشته است: «بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات همیشه در حال تحول و تکامل بوده و در هر دوره آثار ماندگاری از آن به جا مانده است. تجارب و اقدامات ابتکاری و بومی فعالان این بخش، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و در ایام تحریم‌های ظالمانه بسیار ارزشمند و قابل ستایش و نقطه عطفی در صنعت مخابرات و فناوری ارتباطی کشور است. بدون تردید مستندسازی این تجارب و فعالیت‌ها گامی مؤثر در انتقال آنهاست و همین نگرش و اهمیت پرداختن به این موضوع را دوجندان کرده است.»

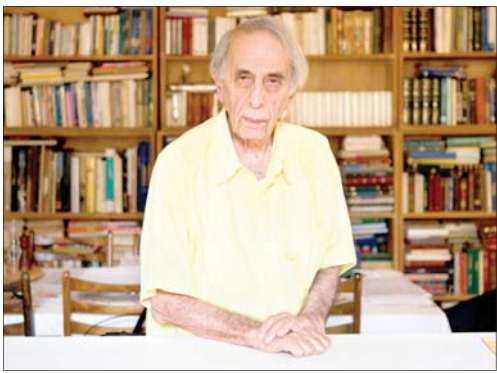
نمونه این ایده در وزارت ارتباطات، در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری نیز با هدف تهیه و تدوین تاریخ شفاهی دولت‌های یازدهم و دوازدهم دنبال شد؛ پروژه‌ای که با لورفتن بخشی از فایل صوتی‌گفت‌وگوی محمدجواد ظریف دچار چالش و وقفه شد تا تهیه‌کنندگان تاریخ شفاهی دولت با احتیاط و محافظه‌کاری بیشتری عمل کنند. ایده روابط‌عمومی وزارت ارتباطات در تهیه و تدوین تاریخ شفاهی حوزه ارتباطات نشان داد که روابط‌عمومی‌ها علاوه بر عملکردهای کلیشه‌ای و همیشگی خود می‌توانند در ساحت‌های تازه و ماندگار کام برارند و برای واحدهای سازمانی خود ایجاد ارزش‌افزوده کنند. محتوای مفصل تاریخ شفاهی وزارت ارتباطات که این روزها در حال انتشار است می‌تواند به سایر مراکز نیز تسری یابد.

## جلال ستاری در ۹۰ سالگی درگذشت

## چهره اسطوره‌ای جلال ستاری

اما باورهای اسطوره‌ای خیر و شر خود را به این شهر چسبانده‌اند. دامنه پژوهش ستاری در زمینه اسطوره‌شناسی محدود به ادبیات معاصر فارسی نبوده و به ادبیات قدیم ایران هم مربوط بوده است. قصه‌ها و افسانه‌های قدیم ایرانی از مهم‌ترین عرصه‌هایی بود که ستاری از منظر اسطوره‌شناسی به سراغشان رفته بود. یکی از آثار مهم او در این زمینه، کتاب «افسون شهرزاد» است که پژوهشی است خواندنی و دقیق درباره «هزارویک‌شب». ستاری علاقه زیادی به قصه‌های «هزارویک‌شب» و به‌طورکلی ادبیات شفاهی و عامیانه داشت و آثار او ازجمله معتبرترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه است که به دور از تعصبات ملی‌گرایانه هستند.

دامنه علایق و مطالعات ستاری بسیار گسترده بود و این را می‌توان از کارنامه پرپرابی که امروز از او به جا



مانده است، دریافت. ستاری از محققان و نویسندگانی بود که هم با ادبیات کلاسیک ایران و غرب آشنا بود و هم با ادبیات مدرن جهان و چنین بود که نگاه او در آثار مختلفش گستره وسیعی را دربر می‌گرفت. ستاری تئاتر و ادبیات نمایشی ایران را هم می‌شناخت و پیگیر آثاری بود که در این زمینه شکل می‌گرفتند. رد این شناخت و علاقه او در آثاری مثل «بازتاب اسطوره در بوف کور» و به‌ویژه در کتاب «جادوی تئاتر» آشکار است. «جادوی تئاتر» کتابی است که از یک سو شامل بحث‌های نظری است که نقدها و مقالات ستاری درباره تئاترهای ایرانی سال‌های اخیر را دربر گرفته و از سویی دیگر خاطرات ستاری از اولین مواجهاتش با تئاتر جهان است.

## ادامه انتشار مجموعه تاریخ شفاهی وزارت ارتباطات

## ثبت و ضبط ناگفته‌های مدیران کلیدی

در دهه‌های اخیر تاریخ شفاهی به‌عنوان مبحثی جدی در محافل پژوهشی کشور مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان شیوه و روش تحقیق در حوزه تاریخ معاصر استفاده شده است.

در میان دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دولتی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در دولت دوازدهم به‌طور جدی موضوع تاریخ شفاهی این وزارتخانه را پیگیری کرده و برای ثبت در تاریخ در قالب کتاب و فیلم و در معرض عموم قرار داده است.

گریزانی فناوری‌های ارتباطی در جهان و همگام با آن در ایران ضرورت توجه به چنین موضوعی را بیش از پیش روشن می‌کند. تاریخ شفاهی با ثبت و ضبط ناکفته‌های مدیران کلیدی و فوت و فن‌های مدیریتی که در هیچ کتاب و مرجعی ثبت و ضبط نشده، راهنمای مدیران آتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت می‌شود. از سه سال پیش و با پیشنهاد مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات، پروژه تاریخ شفاهی این وزارتخانه با این هدف که دانش و تجربه‌های مدیریت وزرا و مدیران در وزارت ارتباطات راهگشای مسیر پیش‌رو است، کلید خورد.

محمدجواد آذری‌چهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در مقدمه نخستین مجلد از کتاب تاریخ شفاهی این وزارتخانه نوشته است: «بخش مهمی از دانش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، حاصل اندوخته‌ها و آموخته‌های مدیرانی است که با توجه به مقتضیات، شئونات و شرایط زمان تصدی آنها شکل گرفته و در هیچ کتاب و منبعی مستند نشده است. همانی که ما «تاریخ شفاهی» می‌گوییم. ثبت این دانش‌ها و تجربه‌ها در واقع تلاش برای تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح است، به عبارتی، از این طریق دانسته‌های نهفته در ذهن مدیران، به دانشی آشکار و قابل استفاده برای دیگران تبدیل می‌شود. در رویکرد نوین دانش‌مدیریت، سازمان‌ها به سرمایه‌های فکری به‌عنوان سرمایه‌های اصلی می‌نگرند و بر تولید و حفظ این سرمایه‌ها تأکید ویژه دارند. در چنین ساحتی سؤال اصلی این است که دانش بالارزش کدام است؟ و این دانش نزد چه کسانی است و چگونه می‌توان آن را مدون و منتشر کرد؟». وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تأکید کرده است که مستحصان و کارشناسان این حوزه سرمایه‌های اصلی مجموعه هستند و با همین ظرفیت و توان می‌توان به گسترش و توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات امیدوار بود و به مسیر بالندگی ادامه داد.

به گفته سیدجمال هادیان‌وزاره، رئیس مرکز روابط‌عمومی وزارت ارتباطات، در این پروژه

شرق: جلال ستاری، اسطوره‌شناس، نویسنده، مترجم و پژوهشگر برجسته معاصر عصر روز شنبه، نهم مرداد ۱۴۰۰، در ۹۰سالگی از دنیا رفت. ستاری در سال ۱۳۱۰ در رشت متولد شده بود و در سال‌های حیاتش آثاری متعدد را در زمینه‌های اسطوره‌شناسی، تئاتر و نقد فرهنگی تألیف و ترجمه کرده بود و یکی از پرکارترین چهره‌های فرهنگی معاصر ایران به شمار می‌رفت.

ستاری از چهره‌های چندبعدی بود که در عرصه‌های مختلفی کار کرده بود اما فرهنگ و ادبیات ایران بیش از هر جای دیگری در زمینه اسطوره‌شناسی و نظریه‌های تازه در این عرصه مدیون اوست.

پژوهش‌های ستاری در زمینه اسطوره‌شناسی و تاریخ بسیار راهگشا و به دور از تعصبات رایج بوده است. ادبیات ایران و به‌ویژه داستان‌های ایرانی در سال‌های اخیر توجه کمی به تاریخ داشته‌اند و در مواردی هم که تاریخ بستر روایت داستانی بوده، اغلب برخوردی سطحی با تاریخ صورت گرفته است؛ اما ستاری در بخش مهمی از آثارش، به دو وجه غایب ادبیات ایران در سال‌های اخیر پرداخته است؛ یعنی به تاریخ و اسطوره. ستاری نه فقط ما را با نظریه‌های نو در این عرصه آشنا کرده بود، بلکه فراتر از آن اسطوره و تاریخ را در داستان‌نویسی و شعر فارسی پی

گرفته بود و در واقع الگویی مشخص از به‌کاربردن این نظریه‌ها در مواجهه با ادبیات ایران ارائه داده بود. او در کتاب «اسطوره تهران» به چگونگی حضور تهران در رمان‌های مطرح معاصر پرداخته بود. پس از آن کتاب دیگری با عنوان «تهران در قالب شعر» منتشر کرد که به نوعی می‌توان آن را ادامه «اسطوره تهران» در نظر گرفت. او در این کتاب به میانجی کتاب‌های «قایق سواری در تهران» و «منظومه تهران» محمدعلی سپانلو و منظومه بلند «تهران» محمدرضا مدیحی، حضور تهران را در شعر معاصر فارسی نقد و بررسی کرده بود. ستاری معتقد بود که شهر تهران در ادبیات معاصر ایران، گرچه بی‌نفسه شهری اسطوره‌ای نیست